

ماجرای مرگ برادر ترانه علیدوستی در چهارشنبه سوری!

جریان دردناک مرگ برادر ترانه علیدوستی در چهارشنبه سوری را بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، ترانه علیدوستی بعد از مرگ برادرش در چهارشنبه سوری: به خاطر ما خواهرها با آتش بازی نکنید

اگر روزی تصمیم بگیرم تنها پیام اخلاقی زندگی ام را به جوان‌ها بدهم می‌گویم تا جایی که می‌توانید خوش بگذرانید شلوغ کنید. الان وقتش است اما...

این مطلب را در سال ۱۳۹۶ هم منتشر کرده‌ایم و باز هم برای چهارشنبه سوری آنرا بازنشر می‌کنیم امید که تلنگری باشد برای خانواده‌ها و جوانان، تا خدای ناکرده این روز شادشان به عزا تبدیل نشود.

ترانه علیدوستی بازیگر مطرح سینمای ایران که چند سال پیش (۱۳۸۳) و همزمان با بازی در فیلم "چهارشنبه سوری" اصغر فرهادی برادر خود را به خاطر منفجر شدن مواد محترقه در "روز چهارشنبه سوری" از دست داد با انتشار یادداشتی، به تشریح این اتفاق پرداخت.

ترانه علیدوستی نوشت:

«خیلی سخت بود که در فیلم «چهارشنبه سوری» اصغر فرهادی مشغول بازی بودم، کل ماجراهای فیلم در این روز می‌گذشت، آن وقت خبر دادند که در دل چهارشنبه سوری واقعی برادرم به خاطر حادثه ناگواری که همان منفجر شدن مواد محترقه است، درگذشته است. هر وقت این خاطره تلخ را مرور می‌کنم، یاد آن لحظه‌ای می‌افتم که خبر فوت برادرم را سر صحنه فیلمبرداری دادند. همه شوکه شده بودیم.

هنوز باورم نمی‌شود. ماجرای آن روز چهارشنبه سوری هنوز کابوس من و خانواده‌ام است. آخر سال ۸۳ و عید ۸۴ روزهای بد و سنگینی را من و خانواده‌ام پشت سر گذاشتیم. هر روز برای ما نبودن پویان سخت بود و همچنان هم سخت است.

زمان مرگ پویان من سر فیلمبرداری چهارشنبه سوری بودم و دقیقا در همان روز چهارشنبه سوری، یعنی ۲۵ اسفند سال ۸۳ فوت کرد. وقتی خبر را دادند نمی‌دانم چطور تا خانه رفتم. اما بعد از آن و وقتی مراسم تمام شد، دوست داشتم که خیلی سریع و به طور خود خواسته سر خودم را با بازی در فیلم گرم کنم و دوباره به گروه پیوستم.

ترانه علیدوستی بعد از مرگ برادرش در چهارشنبه سوری: به خاطر ما خواهرها با آتش بازی نکنید
در حقیقت یک هفته سر کار نرفتم که سه روز آن، سه روز اول عید بود که در هر صورت و بدون هیچ اتفاقی هم آن سه روز تعطیل بود. در واقع من به خاطر این حادثه فقط ۴ روز کار را متوقف کردم. بعد از اینکه به کار بازگشتم حس کردم این یک هفته برای من حکم چهل روز را داشته و خیلی دیر گذشته.

خوشبختانه هیچ‌کس با من مثل عزادارها صحبت نمی‌کرد و فضا هم سنگین نبود، مثل قبل دوستانه بود، شاید چون بچه‌ها هم در این یک هفته مدام با من همراه بودند و در تمام مراسم حضور داشتند. امیدوارم برای هیچ خانواده‌ای این اتفاق نیفتد. چون اینگونه اتفاقات واقعا وحشتناک است و هیچ وقت هم هضم نمی‌شود.

شاید کسی که هیچ وقت نتواند با این مسئله کنار بیاید مادرم است. البته نمی‌توان گفت که این اتفاق برای چه‌کسی سخت‌تر بوده! اگر روزی تصمیم بگیرم تنها پیام اخلاقی زندگی ام را به جوان‌ها بدهم (چون از پیام دادن خوشم نمی‌آید) می‌گویم تا جایی که می‌توانید خوش بگذرانید شلوغ کنید. الان وقتش است... اما با آتش بازی نکنید، با خطر. نه به خاطر خودتان، به خاطر ما، خواهرها.

منبع: عصر ایران